

کن رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که چیزی موجود نیست ولیکن  
 چون باید آید شود شیشه گشاده سر پا و روشناخی خوب آید  
 رسول صلی الله علیه وسلم از ساعد های مبارک خود عرق سبب  
 میکرد و در آن شیشه میکرد تا پر شد فرمود که این را بدمت خود داده  
 و بگوئی که هر گاه بوی خوشش بکار بر داین خوب را باین شیشه  
 فرود بر آید باین خوب پر شود آید بر خود مالد گویند که هر گاه آن صخر  
 آن کار بکند ای عمه اهل مدینه آن بوی خوشش را بشنیدند نمی توانند  
 ایشان را بیوت المطهرین نام نهاده بودند **و از این است** که هر که بکس  
 عایط و بر اندید هر گاه و بر ابا آن حاجت افتاد می زمین بشکافد  
 و آنرا فرو بردی و از عایشه رضی الله عنها نانی آرد که از نبی صلی الله  
 علیه وسلم بر سید که یا رسول الله تو بختل جای میروی و ای از تو  
 سبب از نبی بنم رسول صلی الله علیه وسلم گفت ای عایشه تو نه ایست  
 که هر چه از این با طاهر میشود زمین قسم و می برد **و از این است** که  
 در قوت بوی از نفس کسی زیاد است بود یا زکانه که قوی ترین در کانه  
 بود گشتی گرفت و در برابر زمین زده وقتی که و بر با سلام خوانده بود

و همچنین بر روی الوژ کانه را که وی شیشه قوی ترین وقت بود  
 بود در جا هلیت بر زمین زده و الوژ کانه از وی سه بار طلب  
 گشتی کرد رسول صلی الله علیه وسلم سه بار ویرا بیدخت  
**و از این است** که چون پیاده رفتی بجای بوی شیشه  
 ابو سریره رضی الله عنه گوید که ندیدم بچکس را که بشتاب  
 از رسول صلی الله علیه وسلم گوید که زمین در زیر قدم وی آلود  
 می شد ما خود را در برنج می انداختیم و وی بی رخ غیر وقت  
 و بوی این بر سیدیم **و از این است** که باب و جهان مبارک  
 وی آب شکر شیرین می شد آنس رضی الله عنه گوید که رسول  
 صلی الله علیه وسلم در خانه وی آب و جهان در جا انداخت  
 جهان شیرین شد که در همه مدینه از آن شیرین نمود **و از این است**  
 که مردی از یامه پیش رسول صلی الله علیه وسلم آمد که من دردی  
 بزرگ باستم و ای می مسیری نیست رسول صلی الله علیه وسلم  
 آب طلبید و روی مبارک و جهان و در ساعد و در وقت  
 خود را بان آب شست و آن آب بان شخص داد گفت بزود

دقیقین بر روی الوژ